

سیمرغ

سروده: عبدالله فکری

www.ketab.ir
به کوشش: مهدی فکری

انتشارات نوید شیراز

سرشناسه	فکری، عبدالله، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	سیمرغ / سروده عبدالله فکری؛ به کوشش مهدی فکری؛ ویراستار افسانه روئین اهلی.
مشخصات نشر	شیراز: نوید شیراز، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	[۹۵]ص.
شابک	978-622-270-069-0
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۹۵.
موضوع	شعر فارسی - - قرن ۱۴
موضوع	Persian poetry - 20th century
شناسه افزوده	فکری مهدی ۱۳۵۶-، گردآورنده
رده بندی کنگره	PIR۸۳۵۶
رده بندی دیویی	۸۱۶/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۸۴۹۷۴۰۰



سیمرغ (مجموعه دوبیتی سروده: عبدالله فکری

به کوشش: مهدی فکری

ویراستار: افسانه روئین اهلی

صفحه آرا: نجمه اسکندری ○ طرح جلد: نجمه شهابی

لیتوگرافی و چاپ: دنیا ○ تیراز: ۵۰۰ جلد ○ چاپ اول: ۱۴۰۰

حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز- تلفن ۶۲-۳۲۲۲۶۶۶۱ نمابر ۳۲۲۲۹۶۷۶-۰۷۱

دفتر تهران- تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰۵۹۴۵ نمابر ۵۲۲-۸۸۹۲۱۵۲۲-۰۲۱

پست الکترونیکی: navideshiraz. pub@gmail. com

وب سایت: www. navideshiraz. com

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۰-۰۶۹-۰ ISBN: 978-622-270-069-0

۷۰/۰۰۰ تومان

مقدمه

به نام خداوند مهر و وفا

عبدالله فکری متولد ۱۳۱۸/۷/۱ هجری شمسی در شهر اهل و در خانواده‌ای متدین و مذهبی چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۸۱/۱۰/۱۳ بر اثر تصادف در شهر شیراز دار فانی را وداع گفت.

قسمتی از سخنان شاعر که در دست‌نوشته‌هایش به جا مانده، چنین است: خدایا پیشانی عجز به درگاه تو بر خاک می‌گذارم.

سال‌ها به قصد تأمین آذوقه و وسیله زندگی از خانه خود خارج شدم و مدت‌ها سرگردان به این در و آن در زدم و با فقر و فاقه دست و پنجه نرم نمودم، آنچه از طرف خدا آید عطای اوست ولو آن که بلا باشد، خدایا طاقت تحمل این همه رنج و خواری ندارم، خدایا من مغلوب دنیا شده‌ام چون عرصه بر خود تنگ دیدم و تصمیم به فرار و جدایی از وطن کردم، خدایا ناچارم که تسلیم قضا و قدر شوم و خود را به خدای سپردم، خدایا دستم گیر که دست‌آویزی ندارم، خدایا تقدیر بدجوری ما را به بازی گرفته است، خدایا چندین سفر ترک وطن کردم و به خلیج رو آوردم، ولی در تمام سفرهایم دچار بیکاری و بدشانسی شده‌ام، خدایا راهی ندارم، از رحمت محرومم مکن، خدایا آبرویم محفوظ بدار، خدایا جلو فرزندنام آبرویم مریز، خدایا از گذشته خود توبه کردم، خدایا بدشانسی و بدبختی از من مسکین دور کن، خدایا بگذار بقیه عمرم را به شادی و سرافرازی سپری نمایم.

تحصیلات شاعر در آن زمان مکتبی بود و زیر نظر ملای وقت قرآن و سواد

قرآنی یاد می‌گرفتند، در دوران جوانی چنان‌چه از صحبت‌های خود شاعر برمی‌آید به خاطر نبودن منبع درآمد مناسب، اکثر مردم این دیار به کشورهای خلیج مسافرت می‌کردند حتی شعر شاعر نشان دهنده موقعیت مکانی (وطن، کویت و امارات) است که زمینه‌ساز سرایش دوبیتی‌های اوست، در آن زمان به خاطر کمبود امکانات دریایی و مسافرتی مجبور بودند چندین سال را در کشور مقصد بمانند و به همین خاطر درون‌مایه دوبیتی‌هایشان دوری از وطن، رنج، فراق و عشق به میهن بوده است که نشان دهنده سختی‌ها و مشقت‌های آن دوران، نبودن شغل و درآمد مناسب و همچنین دغدغه دوری چندین ساله‌شان از یاران و فرزندان‌شان بوده است، «دلبستگی‌های خانواده به همدیگر در شروه‌ها جلوه خاصی دارد، دلبستگی پدر به فرزند، فرزند به مادر، خواهر به برادر، خواهر به خواهر دلدادی همسران؛ شروه‌ها از حضور هیچ یک از اعضای خانواده غافل نمانده است، همه این دلبستگی‌ها سرشار از دل‌تنگی است، دل‌تنگی‌هایی که به تناسب کسب درآمد و شرایط اقتصادی خانواده پیش آمده است، همسران و فرزندان که مجبور به تحمل غربتی طولانی بودند تا خانواده‌شان در رفاه باشد». (روئین اهلی، ۱۳۹۹: ۱۶۶)

شاعر دوبیتی‌های عاشقانه نیز دارد، یکد و اندرز یکی از دغدغه‌های شاعر است؛ غم، دل‌تنگی و حسرت اصلی‌ترین مضامین شعری اوست، شاعر در یکی از دوبیتی‌هایش خود را «سیمرغی» می‌داند که تنهایی و غربت بر او غلبه کرده است؛ نام این کتاب نمادی از تنهایی‌های شاعر است:

غمِ بی‌هوده خوردم پیر گشتم

جدا از خطّه تدبیر گشتم

جدا افتاده فکری همچو سیمرغ

که از دین و ز دنیا سیر گشتم

غربتی و غربت از مضامین پرتکرار شعر شاعر است، «این غربت سهم فرزندان و همسرانی است که برای کسب درآمد، راه غربت را در پیش گرفته‌اند، این حسرت همیشه در شروه‌ها خود را نشان داده است». (همان: ۱۶۲)، شاعر شکوه‌های زیادی از بخت و فلک دارد، «شروه‌سرایان اغلب دل‌آزردگی خویش را با

مفهوم «فلک» بازگو می‌کنند، «فلک» از یک جهت می‌تواند به عنوان مجاز جزء از کل، مفهوم دیگری از دنیا باشد یا استعاره‌ای از تقدیر و از سوی دیگر گفتگو با فلک و قهر و عتاب با او گویای این است که گذشتگان آسمان را در سرنوشت انسان‌ها مؤثر می‌دانستند» (همان: ۱۵۲)

شاعر نام فرزندان خویش را نیز در شعر آورده، نام خانوادگی خویش را به عنوان تخلص برگزیده و تنها یار و رفیق دلسوزش در غربت جناب حاج محمد علی‌زاده بوده که در چندین دوبیتی از ایشان یاد شده است؛ همچنین در یکی از دوبیتی‌هایش از فرزند ارشدش، منوچهر می‌خواهد که دوبیتی‌هایش را جاودان سازد:

سرِ قبرم بیا شادم روان کن

محبت با برادر هر زمان کن

که تنها خواهشم باشد منوچهر

دوبیتی‌های نابم جاودان کن

شاعر به دلیل دل‌پختگی خاصی که به دوبیتی داشته است، دوبیتی‌های برخی از شاعران دیگر مانند پریشان، مفتون، فایز، دلخون و... را نیز در دفترش ثبت کرده است، کار ارزشمندی که به دست شاعر انجام گرفته است، هر چند این کار از روی علاقه انجام گرفته است اما این علاقه‌مندی کمک شایانی به ثبت ادبیات شفاهی است، پس بهتر دیدیم که این دوبیتی‌ها نیز به عنوان کار ارزشمند ایشان در دفتر شعرشان ثبت شود؛ همین علاقه‌مندی به دوبیتی‌های شاعران دیگر باعث شده است که شاعر از شاعران دیگر متأثر باشد هر چند که پژوهشی دقیق این تأثیر پذیری را نشان خواهد داد.

قسمتی دیگر از دوبیتی‌ها، دوبیتی‌هایی است که تخلص شاعر در آن ثبت نشده است، حال ممکن است این دوبیتی‌ها از شاعر باشد یا منسوب به شاعران گمنام، هر چند که برخی از این دوبیتی‌ها از شاعران گمنام است، پس بهتر دیدیم این بخش از دوبیتی‌ها را در قسمت دوبیتی‌های مشکوک به ثبت برسانیم.

افسانه روئین اهلی تیرماه ۱۴۰۰